

استدلال: غزه به عنوان «اردوگاه قدیسان» و مشابهت‌های آخرالزمانی آن

غزه نمایانگر «اردوگاه قدیسان» است که در کتاب مکاشفه توصیف شده، جامعه‌ای وفادار که در پایان زمان‌ها تحت محاصره نیروهای شر قرار دارد، و این با روایت قرآنی کسانی که به دلیل ایمان به الله از خانه‌هایشان رانده شده‌اند، همخوانی دارد، همچنین با همزیستی تاریخی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین پیش از اختلالات ناشی از آلمان نازی، کنفرانس اوپان و توافق هاوارا. «کتاب حیات بره» در مکاشفه، بازتاب «لوح محفوظ» در قرآن است، هر دو نماد ثبت الهی از نیکوکاران هستند، در حالی که «زمین جدید» در اساطیر نوردیک، که به عنوان والحالی باشکوه تفسیر شده، با اورشلیم جدید در مکاشفه و جنت الفردوس در آخرت‌شناسی اسلامی موازی است و نوید تجدید برای مؤمنانی می‌دهد که آزار و اذیت را تحمل می‌کنند.

غزه به عنوان «اردوگاه قدیسان» و روایت قرآنی مظلومان

در کتاب مکاشفه، «اردوگاه قدیسان» (مکاشفه ۲۰:۹) نمایانگر جامعه‌ای وفادار است که در پایان زمان‌ها توسط نیروهای شیطان (جوج و ماجوج) محاصره شده، آزار و اذیت را تحمل می‌کند اما در نهایت با مداخله الهی محافظت می‌شود. غزه، با اهمیت تاریخی‌اش به عنوان مکانی برای همزیستی مذهبی، با این مفهوم همخوانی دارد. قرآن نیز از گروه مشابهی از مؤمنان در **سوره الحشر (۲:۵۹-۹)** سخن می‌گوید که به دلیل ایمان به الله از خانه‌ها و سرزمین‌هایشان رانده شده‌اند. این سوره به قبیله بنی‌نضیر، قبیله‌ای یهودی که در قرن هفتم از مدینه تبعید شدند، اشاره دارد، اما پیام گسترده‌تر آن به هر جامعه‌ای که به خاطر ایمان به خدا مورد آزار قرار گرفته، اعمال می‌شود و می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که بدون حق از خانه‌هایشان رانده شدند - فقط به این دلیل که می‌گویند: پروردگار ما الله است» (قرآن ۲:۵۹).

غزه، به عنوان بخشی از فلسطین تاریخی، در این روایت قرآنی جای می‌گیرد. پیش از اختلالات قرن بیستم، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان قرن‌ها در فلسطین به صورت مسالمت‌آمیز همزیستی داشتند و به خدای ابراهیمی (الله در اسلام) پایبند بودند. خود غزه دارای حضور مستند مسیحی از قرن سوم میلادی است، زمانی که جوامع اولیه مسیحی تحت حاکمیت روم شکل گرفتند. تا قرن هفتم، پس از فتح اسلامی، اکثریت جمعیت به تدریج به اسلام گرویدند، اما اقلیت‌های مسیحی و یهودی باقی ماندند و در کنار مسلمانان تحت خلافت‌های اسلامی مختلف مانند امویان، عباسیان و بعدها عثمانی‌ها زندگی کردند. این همزیستی با احترام متقابل مشخص بود، به طوری که یهودیان و مسیحیان به عنوان «اهل کتاب» تحت قانون اسلامی به رسمیت شناخته شدند، در ازای پرداخت مالیات (جزیه) از حفاظت (وضعیت ذمی) برخوردار شدند و اجازه داشتند آزادانه به دین خود عمل کنند.

امپراتوری عثمانی، که از سال ۱۵۱۷ تا ۱۹۱۷ بر فلسطین حکومت کرد، این هماهنگی بین ادیان را حفظ کرد. مسلمانان، مسیحیان و یهودیان اماکن مقدس مانند اورشلیم را به اشتراک گذاشتند، جایی که مسجدالاقصی، کلیسای قبر مقدس و دیوار غربی در نزدیکی یکدیگر قرار داشتند و نماد میراث معنوی مشترک بودند. در غزه، جوامع مسیحی کلیساها و نهادها را حفظ کردند، در حالی که جوامع یهودی، هرچند کوچک‌تر، در بافت اجتماعی ادغام شده بودند و اغلب در کنار همسایگان مسلمان و مسیحی خود به تجارت و دانش مشغول بودند. این همزیستی مسالمت‌آمیز با «اردوگاه قدیسان» در مکاشفه همخوانی دارد - جامعه‌ای از مؤمنان، متحد در خطوط مذهبی، که به خدا پایبند هستند.

روایت قرآنی کسانی که به دلیل ایمان به الله از خانه‌هایشان رانده شده‌اند، در تاریخ مدرن غزه نیز انعکاس می‌یابد. نقطه عطف با ظهور آلمان نازی و جابجایی صدها هزار صهیونیست به فلسطین، که توسط کنفرانس اوپان در سال ۱۹۳۸ و توافق هاوارا در سال ۱۹۳۳ تسهیل شد، رخ داد. کنفرانس اوپان، که در ژوئیه ۱۹۳۸ برگزار شد، نشست بین‌المللی برای رسیدگی به بحران رو به رشد پناهندگان یهودی در حالی بود که آزار و اذیت نازی‌ها شدت می‌یافت. با این حال، اکثر کشورها، از جمله ایالات متحده و بریتانیا، از پذیرش تعداد قابل توجهی از پناهندگان یهودی خودداری کردند و فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا را به‌عنوان یکی از معدود مقاصد قابل اجرا باقی گذاشتند. توافق هاوارا، که در ۲۵ اوت ۱۹۳۳ بین آلمان نازی و سازمان‌های صهیونیستی امضا شد، به یهودیان آلمانی اجازه داد با انتقال بخشی از دارایی‌هایشان به صورت کالاهای آلمانی به فلسطین مهاجرت کنند و تحریم اقتصادی آلمان نازی را دور بزنند. بین سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۹، حدود ۶۰,۰۰۰ یهودی تحت این توافق به فلسطین مهاجرت کردند و سرمایه‌ای را به همراه آوردند که اسکان صهیونیستی را تقویت کرد.

این جابجایی گسترده، هماهنگی موجود در فلسطین را مختل کرد. هجوم صهیونیست‌ها، که با هدف ایدئولوژیک ایجاد یک وطن یهودی هدایت می‌شد، منجر به تنش‌هایی با جمعیت بومی شد که عمدتاً مسلمان با جوامع قابل توجه مسیحی و یهودی کوچک‌تر بودند. تا سال ۱۹۴۸، تأسیس دولت اسرائیل منجر به ناکبا شد، که طی آن بیش از ۷۰۰,۰۰۰ فلسطینی از خانه‌ها و سرزمین‌هایشان رانده شدند. غزه به پناهگاهی برای بسیاری از این فلسطینی‌های آواره تبدیل شد، که نه به خاطر ایمان به الله به طور خاص، بلکه به‌عنوان نتیجه مقاومت در برابر از دست دادن وطنشان - مقاومتی که ریشه در هویت فرهنگی و مذهبی آنها به‌عنوان مردمی داشت که قرن‌ها به خدا پایبند بودند - رانده شدند. این با توصیف قرآنی از جامعه‌ای وفادار که به ناحق رانده شده و «اردوگاه قدیسان» مکاشفه که تحت محاصره است، مطابقت دارد، زیرا جمعیت غزه - مسلمانان، مسیحیان و به صورت تاریخی یهودیان - به دلیل استقامتشان در برابر جابجایی و خشونت مورد آزار قرار می‌گیرند.

«کتاب حیات بره» و «لوح محفوظ» در قرآن

«کتاب حیات بره» در مکاشفه (مکاشفه ۱۳:۸، ۲۱:۲۷) شامل نام کسانی است که توسط عیسی رهایی یافته‌اند، در برابر فریب شیطان مصون هستند و برای اورشلیم جدید مقدر شده‌اند. این مفهوم در «لوح محفوظ» قرآن، که در **سوره البروج (۲۱:۸۵-۲۲)** ذکر شده، بازتاب دارد: «بلکه این قرآنی باشکوه است، در لوحی محفوظ.» لوح محفوظ در الهیات اسلامی به‌عنوان ثبت الهی همه چیز - گذشته، حال و آینده - که توسط الله پیش از خلقت نوشته شده، فهمیده می‌شود. این شامل سرنوشت همه جان‌ها، از جمله کسانی است که به دلیل ایمان و نیکوکاری به بهشت (جنة) خواهند رسید.

انعکاس بین کتاب حیات بره و لوح محفوظ در نقش آنها به‌عنوان گزارش‌های الهی از نیکوکاران نهفته است. در مکاشفه، کتاب حیات کسانی را فهرست می‌کند که به عیسی وفادار می‌مانند و در برابر فریب جانور مقاومت می‌کنند (مکاشفه ۱۳:۸) بیان می‌کند که فقط کسانی که در کتاب حیات نیستند، جانور را پرستش می‌کنند، که نشان‌دهنده رهایی و محافظت آنها از شر است). به طور مشابه، لوح محفوظ در سنت اسلامی شامل نام کسانی است که برای جنة مقدر شده‌اند، زیرا دانش الله همه کسانی را که ایمان به او را حفظ می‌کنند در بر می‌گیرد (قرآن ۲:۱۸۵). هر دو مفهوم به پیش‌تقدیر الهی و محافظت از مؤمنان اشاره دارند، که با این ایده همخوانی دارد که حامیان فلسطین، به‌عنوان رهایی‌یافتگان، بخشی از جامعه‌ای هستند که به طور الهی تعیین شده و در غزه، «اردوگاه قدیسان»، در برابر «جانور» (اسرائیل) مقاومت می‌کنند.

این انعکاس از روایت حمایت می‌کند که مؤمنان غزه - مسلمانان، مسیحیان و به صورت تاریخی یهودیان - همراه با حامیان جهانی آنها، بخشی از جامعه‌ای مقدس هستند که در این گزارش‌های الهی ثبت شده‌اند. مقاومت آنها در برابر جابجایی و

ستم، که ریشه در پابندی آنها به خدا دارد، جایگاه آنها را به عنوان نیکوکاران منعکس می‌کند، که برای پاداش ابدی مقدر شده‌اند، چه در اورشلیم جدید (مکاشفه) یا جنة (قرآن).

زمین جدید به‌عنوان والحالا، اورشلیم جدید و بالاترین رتبه در جنة

«زمین جدید» در اساطیر نوردیک، پس از راگناروک، جهانی بازسازی شده را توصیف می‌کند که در آن خدایان بازمانده (مانند بالدر، هودر) و انسان‌ها (لیف و لیفتراسیر) زمینی حاصلخیز را تحت خورشیدی درخشان‌تر بازسازی می‌کنند. این تجدید اغلب با والحالا، تالار اودین که در آن جنگجویان کشته‌شده با خدا ضیافت می‌کنند، مرتبط است، هرچند خود والحالا قلمرویی پیش از راگناروک است. پس از راگناروک، زمین جدید می‌تواند به‌عنوان والحالای ایده‌آل دیده شود - مکانی برای افتخار ابدی، صلح و فراوانی برای کسانی که فاجعه را تحمل کرده‌اند. این با اورشلیم جدید در مکاشفه ۱: ۲۱-۴ موازی است، آسمان و زمینی جدید که در آن خدا با رهایی‌یافتگان ساکن است و تمام رنج‌ها را از بین می‌برد: «دیگر مرگ یا سوگواری یا گریه یا درد نخواهد بود.» در آخرت‌شناسی اسلامی، بالاترین رتبه در جنة، معروف به **جنت الفردوس**، اوج بهشت است، نزدیک‌ترین به تخت الله، که برای نیکوکارترین افراد، مانند پیامبران، شهدا و کسانی که برای ایمانشان آزمون‌های بزرگی را تحمل کرده‌اند، محفوظ است (صحیح البخاری، حدیث ۲۷۹۰).

تطابق این مفاهیم قابل توجه است: - **زمین جدید/والحالا (نوردیک):** جهانی بازسازی شده از صلح و فراوانی، جایی که بازماندگان راگناروک - کسانی که با هرج و مرج و رنج مواجه شدند - وجودی باشکوه را به ارث می‌برند، آزاد از نزاع غول‌ها و نیروهای مخرب مانند ناگل‌فار. - **اورشلیم جدید (مکاشفه):** شهری الهی برای رهایی‌یافتگان (کسانی که در کتاب حیات بره هستند)، جایی که حضور خدا زندگی ابدی بدون رنج را تضمین می‌کند، پاداشی برای قدیسانی که آزار جانور را تحمل کرده‌اند. - **جنت الفردوس (اسلام):** بالاترین بهشت، جایی که نیکوکارانی که برای ایمان به الله آزمون‌هایی را تحمل کرده‌اند، نزدیک‌ترین به او هستند و از صلح و شادی ابدی لذت می‌برند.

این دیدگاه‌های آخرالزمانی در وعده زندگی پس از مرگ باشکوه برای مؤمنانی که آزمون‌های پایان زمان‌ها را تحمل می‌کنند، همگرا می‌شوند. غزه، به‌عنوان «اردوگاه قدیسان»، و حامیان آن، که در کتاب حیات بره و لوح محفوظ ثبت شده‌اند، در این روایت جای می‌گیرند. رنج آنها - ناشی از جابجایی تاریخی و درگیری مداوم - هرج و مرج پیش از راگناروک، آزار جانور در مکاشفه و آزمون‌های پیش از قیامت را منعکس می‌کند. همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین پیش از هجوم صهیونیست‌ها، وحدت مؤمنان را منعکس می‌کند، که برای این تجدید مقدر شده‌اند، چه به‌عنوان افتخار ابدی والحالا، حضور الهی اورشلیم جدید یا نزدیکی به الله در جنت الفردوس تصور شود.

زمینه تاریخی: همزیستی مختل شده توسط آلمان نازی، کنفرانس اوپان و توافق هاوارا

همزیستی تاریخی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین قرن‌ها واقعیتی زنده بود که با روایت مذهبی «اردوگاه قدیسان» متحد و پایبند به خدا همخوانی دارد. تحت امپراتوری عثمانی (۱۵۱۷-۱۹۱۷)، فلسطین جامعه‌ای چندمذهبی بود که در آن مسلمانان اکثریت را تشکیل می‌دادند، اما مسیحیان کلیساها را حفظ کردند (مثلاً در غزه از قرن سوم میلادی) و یهودیان به‌عنوان اقلیتی کوچک‌تر زندگی می‌کردند و اغلب در تجارت و دانش موفق بودند. این هماهنگی در حاکمیت اسلامی ریشه داشت که یهودیان و مسیحیان را به‌عنوان «اهل کتاب» محافظت می‌کرد و به آنها اجازه می‌داد در حالی که به جامعه کمک می‌کردند، دین خود را تمرین کنند. اماکن مقدس مانند اورشلیم این همزیستی را نشان می‌داد، با مسجدالاقصی، کلیسای قبر مقدس و دیوار غربی به‌عنوان نشانه‌های معنوی مشترک.

این وحدت توسط سیاست‌های آلمان نازی و مهاجرت صهیونیستی بعدی به فلسطین مختل شد. ظهور آزار نازی‌ها در دهه ۱۹۳۰ منجر به کنفرانس اویان در ژوئیه ۱۹۳۸ شد، جایی که ۳۲ کشور برای رسیدگی به بحران پناهندگان یهودی گرد هم آمدند. اکثر کشورها، از جمله ایالات متحده و بریتانیا، از پذیرش تعداد قابل توجهی از پناهندگان یهودی خودداری کردند و فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا را به‌عنوان مقصدی اصلی باقی گذاشتند. توافق هاوارا، که در ۲۵ اوت ۱۹۳۳ بین آلمان نازی و سازمان‌های صهیونیستی امضا شد، این مهاجرت را با اجازه دادن به یهودیان آلمانی برای انتقال دارایی‌ها به صورت کالاهای آلمانی به فلسطین، دور زدن تحریم ضد نازی، تسهیل کرد. بین سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۹، حدود ۶۰,۰۰۰ یهودی تحت این توافق به فلسطین مهاجرت کردند و سرمایه‌ای را آوردند که پروژه‌های اسکان صهیونیستی را تقویت کرد.

این هجوم، که توسط ایدئولوژی صهیونیستی برای ایجاد وطن یهودی هدایت می‌شد، منجر به تنش‌هایی با جمعیت بومی شد. ورود صدها هزار صهیونیست تا دهه ۱۹۴۰، که در ناکبای ۱۹۴۸ به اوج خود رسید، بیش از ۷۰۰,۰۰۰ فلسطینی را آواره کرد که بسیاری از آنها به غزه گریختند. این جابجایی روایت قرآنی کسانی را که به دلیل ایمان به الله از خانه‌هایشان رانده شده‌اند (سوره ۵۹:۲) منعکس می‌کند، زیرا مقاومت فلسطینی در هویت فرهنگی و مذهبی آنها به‌عنوان جامعه‌ای چندمذهبی که به خدا پایبند بود، ریشه داشت. اختلال در همزیستی با روایت آخرالزمانی همخوانی دارد: نیروهای شر (جانور و متحدانش) به «اردوگاه قدیسان» (غزه) حمله می‌کنند، ایمان مؤمنان را آزمایش می‌کنند، که برای تجدید در والحالا، اورشلیم جدید یا جنت الفردوس مقدر شده‌اند.

نتیجه‌گیری

غزه، به‌عنوان «اردوگاه قدیسان»، واقعیتی تاریخی و معنوی را تجسم می‌بخشد که در آن مسلمانان، مسیحیان و یهودیان قرن‌ها به‌صورت مسالمت‌آمیز در فلسطین همزیستی داشتند، در پایبندی به خدا متحد بودند، تا اینکه جابجایی ناشی از سیاست‌های آلمان نازی، کنفرانس اویان و توافق هاوارا این هماهنگی را مختل کرد. این اختلال تاریخی با روایت قرآنی کسانی که به دلیل ایمان به الله از خانه‌هایشان رانده شده‌اند (سوره ۵۹:۲) همخوانی دارد و غزه را به‌عنوان جامعه‌ای از مؤمنان تحت محاصره قرار می‌دهد، مشابه «اردوگاه قدیسان» در مکاشفه (مکاشفه ۲۰:۹). «کتاب حیات بره» در مکاشفه، «لوح محفوظ» قرآن را منعکس می‌کند، هر دو نیکوکاران - غزه و حامیانش - را که در برابر این ستم مقاومت می‌کنند، ثبت می‌کنند و برای پاداش الهی مقدر شده‌اند. «زمین جدید» در اساطیر نوردیک، که به‌عنوان والحالای باشکوه تفسیر شده، با اورشلیم جدید و جنت الفردوس موازی است و وجودی بازسازی‌شده را برای مؤمنانی که این آزمون‌های پایان‌زمان‌ها را تحمل می‌کنند، نوید می‌دهد.

حقایق تاریخی همزیستی و جابجایی با روایت‌های مذهبی مسیحیت، اسلام و اساطیر نوردیک مطابقت دارد و غزه را به‌عنوان میدان نبردی مقدس به تصویر می‌کشد که در آن مؤمنان، که در گزارش‌های الهی ثبت شده‌اند، با آزار و اذیت مواجه می‌شوند اما تجدید ابدی وعده داده شده‌اند. این همخوانی اهمیت آخرالزمانی مبارزه غزه را برجسته می‌کند، که نبردی کیهانی بین خیر و شر را منعکس می‌کند، با مؤمنانی که برای رهایی نهایی در زندگی پس از مرگ باشکوه آماده شده‌اند.